**ایران - هند**

**اسلامی ندوشن، محمد علی**

خانم گاندی نخست‏وزیر هندوستان از هشتم تا دوازدهم اردی‏بهشت 1353(28 آوریل 2 مه 1974)در طهران زیست و از دولت و ملت ایران تجلیلی شایسته‏ از معظم لها شد.در 11 اردی‏بهشت در انجمن روابط فرهنگی ایران و هند در مجمعی عظیم که به افتخار وی تشکیل یافت.در موضوع روابط فرهنگی و تاریخی‏ و نژادی هند و ایران سخن راند و نیز به مسائل کنونی هند و مشکلات کشور- داری اشاراتی فرمود.

این سخن‏رانی در پاسخ خطابه‏ای بود که استاد دکتر محمد علی ندوشن‏ به زبان انگلیسی در آغاز مجلس ایراد کرد و همین است که به چاپ می‏رسد. ترجمهء متن بیانات بانو گاندی در شمارهء بعد است.

بانو نخست‏وزیر،مهمانان ارجمند

برای این‏جانب مایهء مباهات است که در این مجمع از جانب انجمن روابط فرهنگی ایران و هند و انجمن هندیان مقیم ایران به شما خوش‏آمد بگویم.ما این‏جا در زیر چتر فرهنگ،که از دوران‏های بسیار کهن تا امروز،همواره پیوند دهندهء میان دو کشور ما بوده است،با شما روبرو می‏شویم،فرهنگ به عنوان زبده‏ و چکیدهء بهترین تجربه‏ها و اندیشه‏های انسانی پیوسته عامل وصل‏کننده بوده است، درحالی‏که عوامل دیگر گاه‏بگاه گرایش به جدائی‏افکنی داشته‏اند.

پدر نامدار شما در یکی از کتاب‏های خود نوشت که هیچ دو سرزمینی در جهان به اندازهء ایران و هند روابط تاریخی و فرهنگی مداوم و نزدیک‏ نداشته‏اند.در این سخن حقیقت بزرگی نهفته است،و ما این را نیز می‏دانیم که‏ پیوندهای تاریخی ما از رنج‏ها و شادی‏های مشترک مایه گرفته و مستحکم شده‏اند، که این خود پشتوانه‏ای برای دوستی پایدار است.گذشته از روابط تاریخی و فرهنگی ایران و هند هم امروز نیز آرزوهای مشترک برای دست یافتن به آیندهء بهتر،و نیز به ایجاد دنیائی که برای زندگی کردن بایسته‏تر باشد،داریم.

سرزمین‏هائی چون ایران و هند با کوله‏بار سنگینی از تاریخ و فرهنگ که‏ بر پشت دارند،موقع حساس‏تری از لحاظ تطابق حال با گذشته و نو با کهنه می‏یابند.

به این سبب،و نیز به سبب سرمایه‏های طبیعی و معنوی‏ای که از آن‏ برخوردارند،کشورهای ما می‏توانند نقش فعال‏تری در دنیای امروز ایفا کنند، دنیائی که بیش از هر وقت از افراط و تنریط و عدم تعادل رنج می‏برد.

با توجه به این خصوصیّات است،ای بانوی گرامی،که ما در این‏جا به شما، نه تنها بعنوان نخست‏وزیر هند،بلکه بعنوان نمایندهء یک کشور بزرگ که‏ پهناورترین دموکراسی‏های دنیاست،خوشامد و درود می‏گوئیم،به کشوری که‏ بیشتر از هرجا در آن نموده می‏شود که مسائل انسانی چه عظیم هستند،و با چه وقار و بزرگ‏منشی‏ای می‏توان با آنها روبرو شد.

اکنون،از آن جناب استدعا می‏کنم که در برابر این گروه مشترک انجمن‏ روابط فرهنگی ایران و هند و انجمن هندیان مقیم ایران سخنانی ایراد فرمایند...

ایران-هند

ز اتفاق چو جمع‏اند دوستانی چند به هوش باش که خوش بگذرد زمانی چند یگانگی است در این‏جا که میزبان ادب‏ ز اهل علم و ادب خوانده میهمانی چند نژاد مردم ایران و هند هر دو یکی است‏ که نیستند مگر یار هم‏زبانی چند ودا بخوان و اوستا،که از عهود قدیم‏ حکایت است در این باب و داستانی چند کجا برادر،برگیرد از برادر دل؟ وگرچه بگذرد از دهر سالیانی چند بپا،که رسم و ره دوستی ز سر گیریم‏ به رغم دشمن بدخواه بدنهانی چند ز راد مردم فرهنگ‏دوست بگزینیم‏ برای حفظ روابط،نگاه‏بانی چند از آن طرف بپذیریم،قاصدان ادب‏ وز این طرف بفرستیم،کاروانی چند شکر ز پارس به بازار هند عرضه کنیم‏ به پاس خاطر یار شکر دهانی چند چو آن طبیب هنرور ز داروی حکمت‏ از آن بلاد بجوئیم ارمغانی چند

\*\*\*

رموز حکمت و اندیشه در سعادت نوع‏ بود ز تربیت شرقیان نشانی چند فغان که حرمت پیران دهر نشناسند دلیر و،سرکش و،بی‏تجربت،جوانی چند «حبیب»امید سعادت مدار،اگر به جهان‏ به یک دلی نگرایند بدگمانی چند